



IRAQI
Academic Scientific Journals



العراقية
المجلات الأكاديمية العلمية

ISSN: 2663-9033 (Online) | ISSN: 2616-6224 (Print)

Journal of Language Studies

Contents available at: <http://www.iasj.net/iasj/journal/356/about>



Morphological analysis of the Kurdish legend "Tomatin and Narina Gulbarin" Based on the theory of Vladimir Propp

Dr. Fehri Omer Suleiman*

Salahuddin Erbil University, Faculty of Language, Department of Persian
Language and Literature

Fahree.soleyman@su.edu.krd

Received: 13 / 2 / 2023 , Accepted: 28 / 3 / 2023, Online Published: 31 / 7 / 2023

© This is an open Access Article under The Cc by LICENSE
<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>



Abstract

Structuralists, in the last century, have sought to obtain narrative maps and specific narrative patterns that can be used to examine folk tales, fairy tales, and legends of nations. After a lot of effort and presentation of various models, among them, Vladimir Propp was able to discover and present a diagram and model by analyzing a hundred Russian fairy tales and legends, which can be used to describe most of the folk tales and stories. Russian and even world fairies were adapted to it. This model and method attracted the attention of many researchers and became the basis of many investigations and researches after him. The story collection *Narina Gulbarin* is one of the Kurdish folk works that contains ten stories. In this article, an attempt has been made to apply Vladimir Propp's autobiography diagram and his morphological model to the story "Tomatin and Narin Golbarin", which is one of the stories in this collection, in order to determine how Propp's theory is applicable to this story. After the analysis of this story, it was found that the method and pattern of the

* Corresponding Author: Fehri Omer, Email: Fahree.soleyman@su.edu.krd

Affiliation: Salahuddin University - Iraq

prop are generally consistent with the diagram of the actions of this story. What is certain is that this legend is consistent with Propp's method and model, and a large number of actions. The actions in the mentioned story are identical to Propp's morphological model. And the main goal of this article is, the adaptation of the prop's pattern to prove that it is applicable to the legend of "Tomatin and Narina Gulbarin". Another goal of this research is to make more students and researchers familiar with this book and its collection of legends.

Keywords: structuralism, morphology, function, Kurdish legends, *Narina Gulbarin*

تحليل بنيوي للأسطورة الكردية «توماتين و نارينا غلبارين» بناءً على نظرية فلاديمير بروب

د. فهري اوامر سليمان

جامعة صلاح الدين / كلية اللغات / قسم اللغة الفارسية

المستخلص

سعى البنيويون - في القرن الماضي - للحصول على خرائط سردية وأنماط سردية محددة يمكن استخدامها لفحص الحكايات الشعبية والقصص الخيالية وأساطير الأمم. وذلك بعد بذل الكثير من الجهد وتقديم نماذج مختلفة، من بينها ، تمكن فلاديمير بروب من اكتشاف وتقديم مخطط ونموذج من خلال تحليل مائة حكاية وأساطير روسية ، والتي يمكن استخدامها لوصف معظم الحكايات والقصص الشعبية الروسية و حتى العالم معها. جذب هذا النموذج والأسلوب انتباه العديد من الباحثين و أصبح أساساً للعديد من التحقيقات والأبحاث بعده.

مجموعة القصص " نارينا غلبارين " هي واحدة من القصص الشعبية الكردية التي تحتوي على عشر قصص. في هذا المقال جرت محاولة لتطبيق مخطط لفلاديمير بروب ونموذجه البنيوي على قصة "توماتين ونارين غولبارين" وهي إحدى القصص في هذه المجموعة ، من أجل تحديد مدى الحجم نظرية بروب المستخدمة في هذه القصة. بعد تحليل هذه القصة وجد أن طريقة ونمط الدعامة يتطابقان بشكل عام مع مخطط الإجراءات والتعاون في هذه القصة. ما هو مؤكد هو أن هذه الأسطورة متوافقة مع أسلوب بروب و نمطه، و الهدف الرئيسي من هذه المقالة هو نفسه ، أي تطبيق وإثبات نمط الدعامة في أسطورة «توماتين و نارينا غلبارين». الهدف الآخر من هذا البحث هو جعل المزيد من الطلاب والباحثين على دراية بهذا الكتاب ومجموعة الأساطير فيه.

الكلمات الدالة: البنيوية، التشكل، الحكايات الشعبية، الحكايات الخرافية، الأساطير الكردية، نارينا

غولبارين.

تحلیل ریخت‌شناسانه افسانه کُردی «توماتین و نارینا گولبارین» بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ

د. فهری اوامر سلیمان

دانشگاه صلاح الدین اربیل، دانشکده زبان، گروه زبان و ادبیات فارسی

چکیده

ساختارگرایان، در سده اخیر به دنبال دستیابی به نقشه‌های روایی و الگوهای روایتی خاصی بوده‌اند که بتوان با آن، داستان‌های عامیانه، قصه‌های پریان و افسانه‌های ملت‌ها را بررسی کنند. پس از تلاش زیاد و ارائه الگوهای گوناگون، از میان آنان، ولادیمیر پراپ توانست با تجزیه و تحلیل یک صد داستان و افسانه‌ی پریان روسی، نمودار و الگویی را کشف و ارائه نماید که می‌توان اکثر داستان‌های عامیانه و قصه‌های پریان روسی و حتی جهانی را بر آن تطبیق نمود. این الگو و روش، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران واقع شد و پایه و اساس بسیاری از بررسی‌ها و پژوهش‌های بعد از وی قرار گرفت.

مجموعه داستان «نارینا گلبارین» از جمله آثار فولکلوریک کُردی است که ده داستان را در خود جای داده است. در این مقاله، سعی بر آن بوده تا نمودار خویش‌کاری‌های ولادیمیر پراپ و الگوی ریخت‌شناسانه وی بر داستان «توماتین و نارین گلبارین» که یکی از داستان‌های این مجموعه است، تطبیق داده شود تا مشخص گردد نظریه پراپ تا چه اندازه در این داستان کاربرد دارد. پس از تجزیه و تحلیل ریخت‌شناسانه این داستان، مشخص شد که این افسانه با روش و الگوی پراپ همخوانی، مطابقت و همسویی دارد و تعداد زیادی از اعمال و کنش‌ها در داستان مذکور با الگوی ریخت‌شناسانه پراپ یکسان است. و هدف عمده این مقاله نیز همین است یعنی تطبیق و اثبات الگوی پراپ در افسانه «توماتین و نارینا گولبارین». از دیگر اهداف این تحقیق این است تا تعداد بیشتری از دانشجویان و محققان با این کتاب و مجموعه افسانه‌های آن آشنا شوند.

واژه‌های کلیدی: ساختارگرایی، ریخت‌شناسی، خویش‌کاری، قصه‌های عامیانه، قصه‌های پریان، افسانه.

های کُردی، نارینا گولبارین

1- مقدمه و طرح مسائل

1-1) افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه

قصه‌های عامیانه، در طول زمان همیشه همراه انسان بوده و به تاریخ آغازین بشر بر می‌گردد و بخش مهمی از فرهنگ ما انسان‌ها را تشکیل و نشان می‌دهد. قصه‌های عامیانه می‌تواند خود را با هر جامعه و محل جغرافیایی وفق دهد و آینه تمام‌نمایی از عادات و تقالید و رسوم و فرهنگ آن جامعه و آن محل باشد. در پس این قصه‌ها پیام‌ها و اندیشه‌هایی پنهان است که برای افراد هر عصر و دورانی زیبایی، تازگی و آموزندگی بسیاری را در بر دارد. پژوهشگرانی که در مورد فولکلور جامعه‌ها تحقیق نموده‌اند بر این باورند که قصه‌های عامیانه یک جریان هنری است که در میان گروه‌ها و جوامع مختلف بشری پدید می‌آید و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

گروه دیگری از پژوهشگران معتقدند که اقوام و ملل، افسانه و اسطوره و حتی قصه‌های عامیانه را برای جبران احساس مذلت و مسکنت خویش می‌آفرینند. این احساسات نتیجه شکست‌های نظامی آنهاست. و اولیویه براشفلد معتقد است حماسه بزرگ ملی فرانسه (منظومه رولان) با یگانه شکست شارلمانی، یعنی ناکامی در تصرف «سرقسطه» مطابقت و ارتباط دارد. می‌نویسد: «نیروی تخیل» که آفریننده افسانه‌هاست، درباره نقطه ضعف دوران سلطنت امپراطور به کار افتاد... «اولیویه براشفلد، سرمنشا روانی ایلید را نیز معلوم می‌دارد. می‌نویسد: «پیدایش ایلید بی‌گمان مرهون کاری همانند است. لحظه‌ای شوم برای یونانیان، که چیزی نمانده بود تا به دریا ریخته شوند، می‌بایست دلیل موجهی داشته باشد و تخیل، اسطوره خشم اخیلوس را آفرید» (م. لوفمر - دلشو، 1386: 4-123). یعنی از طرفی «ترس از مرگ» که سراب دیرند (اندیشه بقا) را برای

اصلاح آن نقص اقتضا دارد؛ و از طرف دیگر، احساس «ضعف» مفرط انسان (نسبت به قوای طبیعت) که پندار قدرت را مطالبه و ایجاب می‌کند. این است خاستگاه و علت آفرینش آدم‌های افسانه‌ای که بسیار فراوان‌اند یعنی پهلوان در دوره‌های باستان و شوالیه در اعصار جدید. (واحد دوست، 1387: 220)

از قرن نوزدهم کار گردآوری قصه‌های عامیانه در بعضی از کشورها انجام گرفت. «برادران گریم – ویلهلم و یاکوب نخستین دانشمندانی بودند که قصه‌های عامیانه آلمانی را گرد آوردند و در دو مجلد در سال‌های 1814 – 1812م منتشر ساختند، آنها قصه‌های خود را از روی روایات شفاهی و زبان قصه پردازان جمع‌آوری نمودند.» (پراب، 1397: 6) بعد از این جریان، که تأثیر بسیار زیادی بر بررسی‌ها و تحقیقات در زمینه قصه‌های عامیانه داشت، تعداد زیادی از پژوهشگران کشورهای مختلف کار جمع‌آوری، تنظیم و رده‌بندی کردن افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه را شروع کردند. بدین ترتیب پژوهشگران، از یک طرف قصه‌های عامیانه کشورهای خودشان و سرزمین‌های دیگر را گردآوری کردند و از طرفی هم به تحقیق و بررسی خاستگاه، ساختار، چگونگی انتقال و رواج و انتشار آنها پرداختند.

درباره سرمنشأ قصه‌های عامیانه، تنودور بنفی (قرن نوزدهم) پدر تحقیقات تاریخی و تطبیقی در قصه‌های عامیانه، به استثنای قصه‌های حیوانات مأخوذ از اصل یونانی، سرمنشأ همه قصه‌های جادویی و پریان را به ادبیات تعلیمی هندی – بودایی باز برد. بنا بر نظر او، این قصه‌ها در نتیجه غلبه مسلمانان بر اسپانیا، و آمد و شد تجار و سوداگران سواحل شرقی مدیترانه و بیزانس، و همچنین از طریق حمله مغولان، به اروپای شرقی راه یافته‌اند و از آنجا به همه سرزمین‌های غربی پراکنده گشته‌اند. یکی دیگر از زمینه‌های تحقیقاتی و پژوهشی قصه‌های عامیانه، «تحقیق در مورد ارتباط میان روایات شفاهی و صورت‌های مکتوب ادبی است. در این باره گروهی از دانشمندان منابع کهن خطی و چاپی را در جستجوی موتیف‌ها و سرچشمه‌های قصه‌های عامیانه مورد تفحص قرار دادند.» (همان: 8 - 10). در زمینه روانکاوی و روانشناسی نیز - به ویژه طرفداران مکتب فروید و یونگ - قصه‌های عامیانه را از جهت معنا و مفهوم مورد بررسی و پژوهش قرار دادند «اینان متون قصه‌ها را برای مقاصد روانکاوانه خویش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند، و الحق برخی از تجزیه و تحلیل‌های آنان روشنایی جدیدی بر معنا و پیام قصه‌های عامیانه و اسطوره‌ها افکنده است. یونگ نیز در این باره گفته است که اسطوره‌ها در جزئیات بسیار متفاوتند اما هر چه بیشتر موشکافی کنیم بیشتر متوجه می‌شویم که ساختارشان بسیار شبیه یکدیگر است. و گرچه توسط گروه‌ها یا افرادی که هیچگونه رابطه مستقیم فرهنگی با یکدیگر نداشته‌اند آفریده شده‌اند اما همگی الگویی جهانی و مشابه دارند. مانند قبایل آفریقایی و بومیان آمریکای شمالی، یونانیان و «اینکا»ها. ما همواره داستان‌های مشابهی درباره تولد معجزه‌آسا اما مبهم قهرمان می‌شنویم. و شواهدی که حکایت از نیروی فوق بشری زودرس، رشد سریع در قدرت گرفتن و والا شدن، مبارزه پیروزمندانه علیه نیروهای اهریمنی، گرفتار غرور شدن و افول زود هنگام بر اثر خیانت یا فداکاری «قهرمانانه» بی‌که به مرگ وی انجامیده، دارند (یونگ، 1387: 162).

بالاخره، یکی از دیگر زمینه‌های تحقیق و تفحص در قصه‌های عامیانه و قصه‌های پریان، تجزیه و تحلیل ساختمان و ریشه‌های ساختاری آنها و یا همان بررسی‌های ریخت‌شناسانه این قصه‌ها و افسانه‌ها است، که پژوهشگران با استفاده از پدیده‌های زبان‌شناسی و مردم‌شناسی به بررسی و تحقیق در مورد ساختار قصه‌ها و اساطیر و افسانه‌ها پرداخته‌اند، که موضوع اصلی این مقاله را نیز تشکیل می‌دهد.

2-1) افسانه «نارینا گولبارین»:

افسانه «نارینا گولبارین» عنوان کتابی است که شامل (10) افسانه و قصه عامیانه کردی است که شخصی به نام «هزرقان» آن را از زبان روستا نشینان مناطق کُردنشین گردآوری کرده و به صورت یک کتاب، مکتوب نموده است. در تمام موارد این افسانه‌ها به صورت نثر و به زبان کردی و گویش «کرمانجی» جمع‌آوری و تدوین شده است.

حوزه جغرافیایی گردآوری این قصه‌ها و حکایات ، روستاهای بخش جنوبی کردستان بوده است. کتاب «نارینا گولبارین» شامل (10) افسانه است که عبارتند از: مهندئ ترسنوک (منده ترسو)، تاورخان و باله خان، توماتین و نارینا گولبارین ، لاوئ به‌هدینی (جوان به‌دینی) ، کولوخک (جمجمه) ، ستیرناس و میرخاس و ریناس ، درویش و حاکم، ته‌یرئ زیری (پرنده طلایی)، میرزا و شانه مستان ، میرزا و دارکا چل ناواز (میرزا و درخت چهل آواز). طولانی‌ترین آنها افسانه «درویش و حاکم» است که (68) صفحه است ، کوتاه‌ترین آنها داستان « مهندئ ترسنوک (منده ترسو)» است که در (26) صفحه گردآوری شده است .

جمله آغازین افسانه‌های این کتاب معمولاً با این عبارات «می‌گویند و حکایت می‌کنند که ...» ، «روزی و روزگاری بود که ...» شروع می‌شوند، البته افسانه اول با عبارت «روزی از روزها» آغاز شده و چون دو افسانه بعد از آن (دوم و سوم) ادامه داستان قبل از خود هستند، لذا از ذکر این گونه عبارات خودداری شده است. افسانه‌ها معمولاً با جمله «آنها در جشن و شادی و سرور خود باقی ماندند و من از پیش آنها برگشتم و هیچ کس چیزی به بنده نداد» پایان یافته‌اند.

این داستان‌ها به لحاظ جغرافیایی در مناطقی که در آن کوه‌های بلند، رودخانه‌ها، چشمه‌ها و دشت‌های سرسبز دیده می‌شود رخ داده‌اند، که با جغرافیای مناطق کُرد نشین هماهنگ است. در بعضی از داستان‌ها نام محل‌ها و شهرهای واقعی ذکر شده ولی در اغلبشان نام مکان‌ها مبهم و فرضی هستند. در برخی قصه‌ها مکان‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای (خیالی) آمده ، مانند رفتن قهرمان و شخصیت‌های داستان به زیر دریا یا شهری که زیر دریا قرار دارد یا شهری که بالای هفت طبقه آسمان است.

از منظر تاریخی هم اگر به افسانه‌های کتاب مزبور نگاه شود، معلوم می‌شود که داستان‌ها به زمان‌های خیلی قدیم بازمی‌گردند و دارای آیین و رسوم و نمادهای کُردان کهن می‌باشند. نام‌ها قهرمانان و اسامی شخصیت‌های آنها بیشتر کُردی هستند، اگر چه گاهی نام‌های به کار رفته فارسی یا عربی‌اند.

در قصه‌ها و افسانه‌های کتاب «نارینا گولبارین» ، غالباً عناصر تشکل دهنده افسانه‌های قدیمی و کهن در آن‌ها به چشم می‌خورد، مانند : زن ساحره، پیر زن بدکاره، شرط گذاشتن‌های عجیب و غریب دختر برای ازدواج، تقابل خیر و شرّ ، دیو و پری، اژدها ، پسر کچل ، شاه و وزیر ، دختر و پسر پادشاه ، درویش ، پیر دانا (خضر) ، ...

نیروی اهریمنی در اغلب داستان‌ها، دیوها و ساحران ، پیر زن‌هایی که با آنها همکاری می‌کنند ، به چشم می‌خورد و جای سکونت این نیروهای شرّ به ویژه دیوها بیشتر غارها و زیرزمین و جایی دور از شهرها و مردمان است. دیوها در این قصه‌ها بسیار قوی و خارق‌العاده هستند با این حال ، خیلی راحت توسط قهرمانان داستان‌ها - که معمولاً وسیله‌ای جادویی در اختیار دارند - از میان می‌روند. به صورت عام در تقابل نیروی‌های اهریمنی و بد با نیروی خیر و نیکی ، همیشه پیروزی از آن نیروی خیر بوده است.

عنصر دیگری که در این داستان‌ها به چشم می‌خورد، «درویش» است که فردی خوب ، صبور و مردم دوست است، که حتی نقش «خضر» را هم پیرمرد ریش سفید یا درویش ایفا می‌کند که معمولاً به دور از هیاهوی مردم و جامعه، در جایی خلوت است و مردم را راهنمای می‌کند.

در اکثر افسانه‌ها پادشاه و وزیر ، پسر یا دختر پادشاه نیز حضور دارند. که معمولاً قهرمان داستان‌ها با دختر پادشاه ازدواج می‌کنند.

نکته دیگری که در مورد عناصر این افسانه‌ها می‌توان ذکر کرد این است که اعداد تکرار شونده در آنها هم همان اعداد مشهور افسانه‌های قدیمی : (3) ، (7) ، (40) ، ... مانند (40 روز) ، (7 دیو) ، (3 روز) ، (3 برادر) و ... می‌باشد .

3-1) ولادیمیر پراپ:

ولادیمیر پراپ یاکف لویچ پراپ در آوریل 1895 م در شهر سن‌پترزبورگ از یک خانواده اصالتاً آلمانی به دنیا آمد. در سال‌های طوفانی 18 - 1913 م دانشجوی دانشگاه سن‌پترزبورگ بود. و از آنجا در رشته

فقه‌اللغه روسی و آلمانی فارغ‌التحصیل گردید، در سال 1932 م به هیأت مدرسین دانشگاه لنینگراد پیوست و تا سال مرگش در همانجا باقی ماند. در سال 1928 نخستین کتاب خود را به نام «ریخت شناسی قصه‌های عامیانه (پریان)» به چاپ رسانید. (پراپ، 1397 : 1-20). این کتاب سی سال بعد (در سال 1958 م) به انگلیسی ترجمه شد. ملویل جیکوبس می‌گوید: «در تعجبم که اگر کتاب پراپ در همان زمان که به زبان روسی انتشار یافت به انگلیسی هم منتشر می‌گشت چه اثری بر روی نسل فولکلور شناسان غیر روسی می‌گذاشت». یکی از نخستین کسانی که اصول پراپ را پذیرفت و آن را درباره مواد جدیدی به کار بست الن دانداس، محقق و فولکلورشناس معروف آمریکایی بود. اگر در فرانسه پراپ از طریق نقدی که لوی استراوس بر کتابش نوشت شهرت پیدا کرد، در آمریکا دانداس، پراپ را پرآوازه کرد. (همان : 22). دو اثر مشهور دیگرش به نام‌های «ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان (1946)» و «شعر حماسی روسی (1955)» به کار تحقیقی اولش در ارتباط بودند. در مجموع بیش از بیست و شش کتاب و ده‌ها مقاله از وی برجای مانده است (همان: 30 _ 25). در سال 1958 به بعد و پس از ترجمه کتاب ریخت شناسی قصه‌های پریان، در جهان او را برجسته‌ترین پژوهشگر فولکلور روسیه می‌شناختند. و تحلیل و تجزیه ساختارگرایانه او از قصه‌های پریان دوره جدیدی در بررسی قصه‌های عامیانه در جهان به وجود آورد. «ویژگی بینابین پراپ مانع از آن است که او را نویسنده‌ای فرمالیست به شمار آوریم. او پس از تألیف طبقه‌بندی قصه‌های پریان (1928 م)، کتاب ریشه تاریخی قصه‌های پریان (1946 م) را با دخیل نمودن معنا و تحلیل در زمانی بر پیشینه قصه‌های عامیانه روسی تألیف و منتشر کرد و بر منتقدان و تحلیلگران ساختارگرا تأثیری غیر قابل انکار نهاد. سلدن و ویدوسون او را ساختارگرا شمرده‌اند، و اسکولز یک جا او را نماینده موضع فرمالیسم در دل ساختارگرایی ادبی می‌خواند و در جای دیگر او را ساختارگرا می‌داند (جعفری، 1389 : 154). اما شاید بهتر باشد وی را پل ارتباطی میان صورت‌گرایی و ساختارگرایی بدانیم.

1-4 (پیشینه تحقیق)

در ادبیات اکثر ملت‌ها، بعد از دهه 60 میلادی اغلب تجزیه و تحلیل‌هایی ساختاری که در مورد افسانه‌ها، اسطوره‌ها و قصه‌های عامیانه انجام گرفته، از الگو و روش ساختارگرایانه ولادیمیر پراپ استفاده نموده‌اند و این الگو که از بررسی یک صد قصه عامیانه روسی به دست آمده، پایه و اساس اکثر پژوهش‌های ریخت‌شناسانه افسانه‌ها و قصه‌های پریان جهان بوده است. درباره ریخت شناسی قصه‌های کُردی، به زبان‌های دیگر به ویژه به زبان فارسی پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که ذکر همه آنها در اینجا منجر به اطاله کلام و ملالت‌آور خواهد شد، لذا در این بخش تنها به دو مورد اشاره می‌شود. براساس الگوی پراپ، دو پژوهشی که بر روی افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه کُردی انجام گرفته یکی از طرف شکریه رسول (۲۰۰۳) در کتابچه‌ای با عنوان «حکایه‌تی خورافی کوردیی له رووی مورفولوژییه‌وه» (قصه‌های جادویی کُردی براساس الگوی ریخت شناسی) ابتدا الگوی پراپ را توضیح داده و سپس شش قصه جادویی مربوط به شهرهای سلیمانیه، کویه و قلادزه کردستان عراق را ریخت شناسی کرده است. وی در این کتاب، عناصر ثابت قصه‌ها و نیز برخی از عناصر ویژه بومی را تعیین کرده است. به نظر می‌رسد هدف شکریه رسول در این کتاب بیشتر معرفی الگوی پراپ بوده؛ زیرا مواد پژوهش وی فقط شش قصه از یک منطقه جغرافیایی را دربر می‌گیرد و واضح است که نتایج حاصل از بررسی این تعداد را نمی‌توان به تمام قصه‌های پریان کُردی تعمیم داد. (ابراهیمی و پارسا، 1395 : 13).

«گورانی» نیز در پایان‌نامه خود با عنوان ریخت‌شناسی قصه‌های کُردی، ۵۱ قصه را براساس الگوی پراپ ریخت شناسی کرده است. از این تعداد، سیزده مورد با تلاش خود وی گردآوری شده و بقیه از کتاب‌های مادیان چهل کره و افسانه‌های کُردی از یاقوتی، افسانه‌ها و متل‌های کُردی اثر درویشیان، افسانه‌های کردان از اردیشانه و سسیله سسیل اردوخان و جلیل جلیل و افسانه‌های کُردی اثر رودنکو انتخاب شده‌اند. (گورانی، ۱۳۹۲ : ۴-۵)

قصه‌های کُردی منتشر شده به زبان فارسی را پنج اثر می‌داند و در فصل نتیجه‌گیری می‌نویسد: «در این تحقیق هر آنچه از قصه‌های کُردی مدون که در دسته قصه‌های سحر و جادو قرار می‌گرفت، بررسی شد و فعلاً مجموعه تازه‌ای از قصه‌های کُردی انتشار نیافته است» (همان، ۱۳۶). اما در واقع، تعداد این منابع از پنج مورد بیشتر است و از آن جمله می‌توان به داستان‌های کهن کُردی، درخت چهل دستان، چپروک و افسانه‌هایی از سرزمین ایلام اشاره کرد (ابراهیمی و پارسا، 1395 : 14).

1-5 (چارچوب نظری و طرح مسأله)

اندیشه‌ی اساسی الگوی پراپ که در کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه (پریان) آمده، این است که کثرت بیش از اندازه‌ی جزئیات قصه‌های پریان روسی قابل تقلیل به یک طرح واحد است و عناصر این طرح که تعدادشان سی و یک مورد بیشتر نیست، همیشه یکی هستند و همیشه با نظم خاصی از پی‌یکدیگر می‌آیند. و بالاخره اینکه تنها هفت شخصیت مختلف در این قصه‌ها ظهور و بروز دارند. به عبارتی ساده‌تر، نخستین بار ولادیمیر پراپ، در بررسی صد حکایت پریان روسی، به چارچوبی کلی در این حکایت‌ها دست یافت که دارای سی و یک کارکرد (خویشکاری) و هفت حوزه کنش بود. بعدها شیوه کار پراپ مورد توجه دیگر پژوهندگان ادبیات قرار گرفت و روش وی از لحاظ کمی و کیفی مورد بازبینی و تغییر قرار گرفت. این الگو در مورد افسانه‌ها و قصه‌های عامیانه‌ی کردی نیز قابل انطباق است. در این پژوهش سعی شده که نمونه‌ای از افسانه‌های ادبیات کردی (توماتین و نارین گلبارین) با الگوی پراپ تطبیق داده شود.

1-6) فرضیه‌ها

در این پژوهش، فرضیه‌های زیر می‌تواند مطرح باشد:

- الگوی پراپ در تحلیل ساختاری قصه‌های پریان بر حکایات فولکلوریک و افسانه کهن کردی قابل اجرا و تطبیق است.

- کارکردها و خویشکاری‌هایی که در قصه «توماتین و نارین گلبارین» به چشم می‌خورد همان خویشکاری‌ها و عملکردهایی است که در قصه‌ی پریان روسی دیده می‌شود.

1-7) پرسش‌های مطرح شده

برای آن که نشان داده شود که تا چه اندازه الگوی پراپ بر قصه‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای ادبیات کردی قابل تطبیق است می‌توان به سؤالاتی از این قبیل پاسخ داد:

آیا الگوی پراپ در تحلیل ساختاری قصه‌های پریان و انواع خویشکاری‌های آنها بر افسانه‌های کردی به ویژه داستان «توماتین و نارین گلبارین» قابل تطبیق است؟

آیا در حکایات عامیانه و قصه‌های افسانه‌ی کردی با قصه‌های پریان روسی در روش تحلیل ساختاری شباهت وجود دارد؟

آیا نمودگار اصلی قصه «توماتین و نارین گلبارین» با نمودگار داستان‌های پریان روسی مورد پژوهش پراپ، شباهت دارد؟

1-8) پیشنهادها

این تحقیق می‌تواند انگیزه و کلیدی باشد برای وارد شدن به زمینه‌های دیگر تحقیقات و پژوهش در مورد کتاب «افسانه نارین گلبارین»، همچنین تشویق و ترغیبی باشد برای بررسی و تحقیق در مباحث گوناگون مربوط به ساختارگرایی قصه‌های عامیانه و فولکلوریک ادبیات کردی.

2- شرح مفاهیم بنیادی

2-1) ساختارگرایی (ریخت‌شناسی)

ساختارگرایی یک روش است، نه علمی خاص. نام روش جدیدی است که از اوایل قرن بیستم به بعد، تدریجاً به تمام علوم انسانی و حتی علوم ریاضیات و زیست‌شناسی، بسط پیدا کرد. جاناتان کالر نوشته است: ساختارگرایی نام و نشان گروهی از متفکران عمدتاً فرانسوی است که در دهه‌های 1950 و 1960، زیر تأثیر نظریه زبان فردینان سوسور، مفاهیم زبان‌شناسی ساختاری را در مطالعه پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی به کار بستند. ادبیات و آثار ادبی نیز از جنبش ساختارگرایی برکنار نماند. پژوهشگران بسیاری در بررسی ادبیات، روش ساختاری را به کار بستند و به تحلیل آثار ادبی و هنری پرداختند. برجسته‌ترین این کارها، همان «ریخت‌شناسی قصه‌های پریان» اثر پراپ است (گراوند، 1388: 28-29)

می‌توان گفت ساختارگرایی یکی از انواع مکاتب فکری به حساب می‌آید که در برهه زمانی سال‌های شصت میلادی بر عالم فکر و اندیشه غرب غالب شد. منشأ اصلی این مکتب و نگرش فکری آن را می‌توان نوشته‌ها و

کتاب‌های دو سوسور که در باره طرز و روش تحلیل زبان ارائه می‌داد، دانست. اگر چه خود وی (دو سوسور) واژه ساختار را به کار نبرده بود ولی بعدها توسط محققان و پیروان وی این واژه رایج شد. «ساخت‌گرایی به عنوان یک جنبش فکری بر علوم انسانی تأثیر گذارد و تجسم آن، انسان‌شناس معروف فرانسوی کلود لوی - استورس می‌باشد. ژان پیازه در واقع ساختارگرایی را نوعی شیوه تحلیل واقعیات مشاهده شده می‌داند.» (پیاژه، 1384: 11). پراپ دسته بندی آثار فولکلوریک را بر اساس قواعد صوری آنها انجام داد و از این رو کارش را ریخت شناسی خواند. او این اصطلاح را به معنای «توصیف حکایت‌ها بر اساس واحدهای تشکیل دهنده آنها و مناسبات این واحدها با یکدیگر و با کل حکایت» به کار برد (احمدی، 1380: 144). به عبارت دیگر، ریخت شناسی یکی از شاخه‌های مهم دانش روایت‌شناسی است که به تحلیل سازه‌های روایی می‌پردازد. این نظریه اجزای قصه‌ها و مناسبات آن اجزا با هم و با کل قصه را مورد بررسی قرار داد، بنابر این، تعریف ریخت شناسی از دیدگاه ولادیمیر پراپ عبارت است از «توصیف قصه بر اساس اجزای تشکیل دهنده آن و مناسبت این اجزا با هم و با مجموع اثر روایی» (پراپ، 1397: 79)

ولادیمیر پراپ از آن دسته پژوهشگرانی است که خیلی استادانه نگرش‌ها و نظریه‌های دو سوسور را وارد حوزه پژوهش‌ها و بررسی‌های ادبی نمود، محققان قبل از پراپ از جنبه نظریه‌پردازی، نظریه‌های ساختارگرایانه زیادی را ارائه کرده بودند، لیکن پراپ تنها به این جنبه اکتفا ننمود بلکه از مراحل نظریه‌پردازی و نظریه‌سازی گذشت و وارد مرحله عمل و تحقیق گردید. پراپ با مورد توجه قرار دادن یک صد قصه پریان به این نتیجه رسید که دو شاخص «نام» و «صفت» در قهرمان قصه‌ها و داستان‌ها تغییر می‌کند، ولی شاخص رفتار، عمل و کارکرد قهرمان دگرگون نمی‌شود و در پایان به این نتیجه رسید که کارها و کارکردها (خویش‌کاری‌ها) در قصه‌ها مشابه اما اشخاص مختلف هستند. روی همین اصل مطالعات خود را بر روی «کارکرد قهرمانان» در قصه متمرکز نمود (پراپ، 1397: 50). پراپ به این طریق، الگوی ساختاری «ابر قصه‌ای» را نشان می‌دهد که تمام قصه‌های پریان در آن جای می‌گیرند. وی معتقد بود که مجموع کل کارکردها یا خویشکاری‌های قصه در افسانه‌های پریان روسی، هرگز از 31 مورد تجاوز نمی‌کند. در موارد منفرد و معدودی عملیات دیگری برای قهرمان قصه ذکر شده است که نه با خویشکاری‌های سی و یک گانه مشخص شده تطبیق می‌کنند و نه با آنها قابل تعریف و توصیف‌اند. (گراوند، 1388: 6-35) در عصر حاضر، به ندرت می‌توان نقدی در زمینه پژوهش‌های ادبی بیابید که از خویشکاری‌ها و کارکردهای ساختاری در آن استفاده نشده باشد به ویژه در زمینه‌های روایی «بررسی ساختاری روایت و داستان از کاربرد و پیشرفت بیشتری برخوردار بوده است؛ شاید به این دلیل که تحلیل ساختارگرایانه با روح داستان سازگارتر است و از سوی دیگر، عرصه روایت در قدیمی‌ترین شکل خود به اسطوره می‌رسد و در جدیدترین شکل به رمان نو ختم می‌شود که در هر دو حالت جولانگاه مناسبی برای بررسی‌های ساختاری است» (جعفری، 1389: 111). بر این اساس، پراپ، عملکرد قهرمانان قصه‌های پریان را به عنوان کوچک‌ترین واحد ساختاری شناسایی و مبنای کار خود قرار می‌دهد. نتیجه کار او از تجزیه و تحلیل ساختاری یکصد قصه پریان روسی، شناسایی سی و یک عملکرد و استنتاج قواعد حاکم بر آنها بود. در تحلیل پراپ همانگونه که اجزای جمله آجرهای ساختمانی جمله است، عملکردها و شخصیت‌های نمایشی، آجرهای ساختمانی داستان پریان هستند. (هارلند، 1401: 247) نخستین مرجع و راهنمای پراپ در قصه‌های پریان، کار آرن از بنیادگذاران مکتب فنلاندی است. آرن مضمون را تیپ یا نوع می‌نامد و بر همین اساس فهرستی از انواع روایی به دست می‌دهد که عبارتند از قصه‌های جانوران، قصه‌های خاص، لطیفه‌ها. پراپ گرچه تقسیم بندی آرن را نا جامع و نامانع خوانده لکن عنوان قصه‌های پریان خود را از یکی از همین رده‌ها برگرفته است (جعفری، 1389: 118). این الگو سر مشقی شد برای دیگر پژوهشگران تا از راه تجزیه و تحلیل ساختارگرایانه قصه‌های عامیانه و داستان‌های پریان سرزمین‌های مختلف، منش، آرمان و جهانبینی اقوام کهن کهن را مورد بررسی و تحقیق قرار دهند. و این همان کاری است که سعی شده در این مقاله درباره افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه و فولکلوریک کردی انجام گیرد.

2-2) خویشکاری (کار کرد) :

پراپ کار طبقه‌بندی خود را بر روی یکصد قصه پریان روسی آغاز کرد. به این منظور نخست به بررسی خویشکاری‌های درون قصه پرداخت. این خویشکاری‌ها (کارکردهای عموماً تک جمله‌ای) به طور مکرر در قصه‌های مختلف مشاهده می‌شوند و سازه‌های بنیادین قصه‌اند. (جعفری، 1389: 119). ولادیمیر پراپ در کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های پریان وقتی می‌خواهد به توصیف قصه‌های عامیانه بر اساس اجزای سازه‌ای آنها و روابط متقابل این سازه‌ها با یکدیگر و با کل قصه بپردازد، اول این اجزای سازه‌ها را جدا و تعریف می‌کند. وی کوچک‌ترین جزء سازه‌ای قصه‌های پریان را «خویشکاری» نامید. و در تعریف «خویشکاری» چنین می‌گوید: «خویشکاری (کارکرد) عبارت است از عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود (پراپ، 1397: 82). وی از تجزیه و تحلیل یک صد قصه از مجموعه معروف قصه‌های روسی گرد آوری شده افاناسیف، بر سی و یک واحد ساختاری یا «خویشکاری» دست می‌یابد و آنگاه به بررسی چگونگی ترکیب این واحدها می‌پردازد.

پژوهشگرانی که در زمینه ساختارگرایی تحقیق نموده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که هر حکایت و قصه‌ی از خویشکاری‌ها و عملکردهایی ساخته شده یعنی همان کارهایی که شخصیت‌های قصه‌ها انجام می‌دهند و در این جریان آنچه قابل اهمیت است این است که شخصیت‌های حکایت و قصه چه کاری انجام می‌دهند، نه این که کارها را چه کسانی یا چگونه به انجام می‌رسانند. از دیدگاه پراپ توالی کارکردها (توالی رویدادها) همیشه یکسان است (همان: 54) وی (31) نوع خویشکاری در داستان‌های مورد مطالعه‌اش تشخیص داد (همان: 133) که هر یک از آنها ممکن است به صورت‌های مختلفی در داستان بروز کنند، اما به هر شکلی که بیایند، مورد یک عمل هستند (همان: 119) کار پراپ نقطه آغازی شد برای نظریه‌پردازان بعدی مانند گرماس، برمون، تودوروف و ... وی از صد حکایت مورد تحقیق خود که دارای ترکیب‌بند‌های مشابه بودند، یک شاه حکایت را بیرون کشید که 31 خویشکاری (کارکرد) آن کلیه امکانات ساختاری دربر دارد که در کل مجموعه یافت می‌شود (همان: 102) پراپ در این طبقه بندی به قاعده‌بندی چهارگانه‌ای دست یافت:

1- این خویشکاری‌ها عناصر ثابت و پایدار قصه‌اند: نام قهرمانان داستان‌ها و همچنین صفات آنها تغییر می‌کند، اما کارهای آنان و خویشکاری‌هایشان تغییر نمی‌کند. از اینجا می‌توانیم استنتاج کنیم که در یک قصه، اغلب، کارهای مشابه به شخصیت‌های مختلف نسبت داده می‌شود. به این ترتیب، خویشکاری شخصیت‌های قصه سازه‌های بنیادی قصه هستند.

2- خویشکاری‌های قصه‌های پریان محدودند. که مجموعاً شامل سی و یک خویشکاری است.

3- توالی خویشکاری‌ها همیشه یکسان است: اما همه خویشکاری‌ها لزوماً در یک قصه نمی‌آیند، اما این امر به هیچ روی قانون توالی را به هم نمی‌زند. نبودن بعضی از خویشکاری‌ها نظم و ترتیب بقیه را تغییر نمی‌دهد. 4- همه قصه‌های پریان از نظر ساختمان از یک نوع هستند: و برای هر خویشکاری این چند نکته زیر در نظر گرفته شده است:

1- چکیده‌ای از ما حصل آن. 2- تعریفی اختصاری در یک کلمه. 3- نشانه قرار دادی آن (پراپ، 1397: 80-84).

هر قصه معمولاً با یک صحنه آغازین شروع می‌شود. مثلاً اعضای یک خانواده نام برده می‌شوند، یا قهرمان آینده (که مثلاً سربازی است) با ذکر نام و موقعیتش معرفی می‌شود. این صحنه با آنکه یک خویشکاری محسوب نمی‌شود، با وجود این یک عنصر ریخت‌شناسی بسیار مهم است. این عنصر را صحنه آغازین نام گذاری شده، و آن را با نشانه (a) نشان داده می‌شود (همان: 7-88).

به هر حال، چنان که ملاحظه می‌شود، پراپ نخست هر قصه را به چند پی‌رفت تقلیل می‌دهد و سپس هر پی‌رفت را در چند «جمله» (خویشکاری = کارکرد) بیان می‌کند که مجموع خویشکاری‌های یکصد قصه پریان، همین سی و یک کارکرد مذکور می‌شود که در هر قصه بخشی از آن، البته بدون بر هم خوردن ترتیب، می‌آید. (جعفری، 1389: 119)

3-2) توزیع خویشکاری‌ها در میان اشخاص قصه (حوزه‌های عملیات)

ولادیمیر پراپ در بررسی خود بر روی قصه‌های پریان روسی، به این باور می‌رسد که بسیاری از خویشکاری‌ها به یکدیگر می‌پیوندند و حوزه‌ای از خویشکاری بوجود می‌آورند. به عبارت دیگر بیشتر خویشکاری‌ها (خویشکاری‌هایی که بعد از هشت خویشکاری بخش مقدماتی قرار دارند) در حوزه‌های عملیاتی خاصی قرار می‌گیرند و این حوزه‌ها در کل با انجام دهندگان متناظر خود مطابقت دارند. بر اساس پژوهش‌های پراپ هفت حوزه عملیاتی در قصه وجود دارد که عبارتند از: 1- حوزه عملیات شریر 2- حوزه عملیات بخشنده 3- حوزه عملیات یاریگر 4- حوزه عملیات یک شاهزاده خانم 5- حوزه عملیات گسیل دارنده 6- حوزه عملیات قهرمان 7- حوزه عملیات قهرمان دروغین (پراپ، 1397: 165)

2-4 حرکت‌ها

پراپ، در تعریف حرکت می‌گوید از لحاظ ریخت‌شناسی، می‌توان قصه را اصطلاحاً آن بسط و تطوری دانست که از شرارت (A) یا کمبود و نیاز (a) شروع می‌شود و با گذشت از خویشکاری‌های میانجی، به ازدواج (W*)، یا به خویشکاری‌های دیگری که به عنوان سرانجام و خاتمه قصه به کار گرفته شده‌است، می‌انجامد. این گونه بسط و تحول در قصه را «حرکت» نامیده‌اند. هر قصه‌ای ممکن است چندین حرکت داشته باشد. برای تجزیه و تحلیل یک قصه نخست باید تعداد حرکت‌هایش را مشخص کرد. همچنین ممکن است یک حرکت مستقیماً به دنبال حرکت دیگر بیاید، و ممکن هم هست حرکت‌ها در هم بافته شوند (پراپ، 1397: 183). ترکیب حرکت‌ها ممکن است به یکی صورت‌های زیر باشد:

۱. یک حرکت مستقیماً حرکت دیگر را دنبال می‌کند. نمودگار تقریبی این چنین ترکیبی به صورت زیر است:

$$A . 1 \text{ ----- } W^*$$

$$A . 2 \text{ ----- } W^2$$

۲. حرکت جدیدی پیش از پایان حرکت اول آغاز می‌شود. جریان عملیات قصه با حرکتی که داستانی در بر دارد قطع می‌شود. پس از خاتمه داستان دنباله حرکت اول ادامه می‌یابد. نمودگار چنین قصه‌هایی به صورت زیر است:

$$G . \text{ } K$$

$$A . 1 \text{ ----- } \text{ ----- } W^*$$

$$K \text{ ----- } . 2$$

۳. ممکن است یک داستان نیز به نوبه خود قطع شود، و در این حال، نمودگار نسبتاً پیچیده‌ای نتیجه می‌شود.

$$\text{.....} \quad \text{.....} \\ \text{-----} \quad \text{-----} \quad . 1$$

$$\text{.....} \\ \text{-----} \quad \text{-----} \quad . 2$$

$$\text{-----} \quad . 3$$

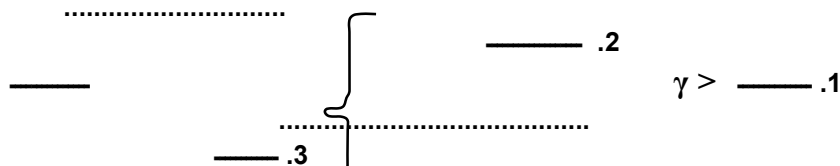
۴. قصه ممکن است با دو شرارت همزمان آغاز شود، و از این دو می‌شود که نخستین پیش از دومین کاملاً فیصله یابد. مثلاً اگر قهرمان کشته شود، و یک عامل جادویی از وی به سرقت رود، در این صورت، نخست مسئله جنایت حل می‌شود، و سپس مسئله سرقت. نمودگار چنین قصه‌هایی به صورت زیر است:

$$\left. \begin{array}{l} K_9 \text{ ----- } . 1 \\ \text{.....} . 2 \\ K_1 \text{ -----} \end{array} \right\} A_2$$

۵. دو حرکت ممکن است پایان مشترکی داشته باشند. نمودگار چنین قصه‌هایی به این صورت است:



۶. گاهی قصه‌ای دو جستجوگر دارد. قهرمانان در وسط حرکت اول قصه از هم جدا می‌شوند. نمودگار چنین قصه‌هایی به صورت زیر است:



موارد بالا روش‌های مختلف ترکیب حرکت‌های قصه‌ها هستند (پراپ، 1397 : 184-186).

پراپ تقسیم بندی دیگری نیز از حرکت‌ها در قصه ارائه داده است و آن تقسیم حرکت‌ها بر اساس موضوع و محتوا است:

۱) بسط از طریق خویش‌کاری H-I (جنگ و کشمکش). ۲) بسط از طریق خویش‌کاری M-N (انجام دادن کار دشوار). ۳) بسط از طریق دو خویش‌کاری H-I و M-N (کشمکش و کار دشوار). ۴) بسط بدون هیچ یک از این خویش‌کاری‌ها.

پراپ هم چنین الگوی کلی خویش‌کاری‌ها را به شرح ذیل می‌داند:

۱. نمودگاری که در بر دارنده خویش‌کاری کشمکش - پیروزی هستند: $ABC \uparrow DEFGHJK \downarrow Pr RS$ LQ EX TUW
 ۲. نمودگاری که در بر دارنده خویش‌کاری کار مشکل هستند: $ABC \uparrow DEFGMLJNK \downarrow Pr RS EX$ TUW
 ۳. قصه‌هایی که هر دو جفت خویش‌کاری را در بردارند: $ABC \uparrow FH-IK \downarrow LM-NQ EX UW$
 ۴. قصه‌هایی که هیچ کدام از این دو جفت خویش‌کاری در آنها نیاید: $ABC \uparrow DEFGK \downarrow Pr RS Q EX$ TUW
- (پراپ، 1397 : 203 - 200)

3- خلاصه داستان «توماتین و نارین گلبارین»

پس از ناپدید شدن "منده" و "آوران"، هر دو پسرشان (تاورخان و باله‌خان) نیز آواره کوه و دشت شدند و هیچ کسی خبری از آنان نداشت، و دو خواهرشان (توماتین و گول بارین) زیر دست نامادری بی‌رحم و ستمکار باقی ماندند. روزی نارین گلبارین که خیلی باهوش و دانا بود به توماتین که مثل مردها قوی و توانمند بود گفت ما باید از دست نامادری فرار کنیم و به دنبال برادرهایمان بگردیم. نارین ادامه داد چند روز پیش درویشی را دیدم و به من گفت مقداری از پول پدرتان را زیر فلان سنگ پنهان کرده‌ام هرگاه خواستید فرار کنید می‌توانید آنها را بردارید. روز بعد وقتی برای آوردن هیزم به بیرون رفتند زره‌های خود را برداشتند و دیگر بازنگشتند و از خانه فرار کردند. رفتند تا به خرابه‌ای رسیدند و شب در همان خرابه خوابیدند. خرس بزرگی که به دنبال غذا می‌گشت آنها را دید و "توماتین" را برداشت و به نزد بچه‌هایش برد. نارین گلبارین چون صبح بیدار شد هر چه گشت خواهرش را ندید و مجبور شد تنهایی راهش را در پیش بگیرد و به سفرش ادامه دهد. رفت تا به شهری رسید و یک دست لباس مردانه خرید و خود را به صورت یک مرد جوان درآورد. هنگام گشت‌زدن در شهر چشم نارین به مردی خوش قیافه افتاد و به آن مرد گفت اسم من "آفل" است و چون پدر و مادر ندارم می‌خواهم کار کنم. مرد به نارین گفت اسم من بهروز است و چون بچه‌ای نداریم و من تاجری بزرگ هستم تو می‌توانی در کارهای خانه به خانم من کمک کنی. مرد تاجر و همسرش او را به فرزند قبول کردند. بعد از گذشت روزها پدر و مادر جدیدش متوجه شدند که آفل یک دختر است. بعد از گذشت سه ماه در خانه تاجر که دوازده سال

نارین کامل شد، در یکی از شب‌ها، از دیوار اطافش سه زن وارد شدند و گفتند ما خاله‌های شما هستیم و آمده‌ایم که استعدادهای و توانایی‌های زیادی را به تو منتقل کنیم. (چون مادر آنها از جنس پریان بود) هر یکی از آن پری‌ها فنون و توانایی‌های خاصی را به او بخشید. مثلاً از آن به بعد هرگاه نارین گریه می‌کرد، باران می‌بارید و چون می‌خندید گل می‌بارید. و یا هرگاه در روز چهارشنبه خود را می‌شست، آبی که سر خود را با آن می‌شست به زر تبدیل می‌شد.

توماتین که مدتی با خرس‌ها زندگی کرده بود، روزی پیرزن غولی از آنجا می‌گذشت، توماتین او را صدا زد و از او کمک خواست. پیرزن غول وقتی او را دید، به طمع خوردن گوشت او، قبول کرد به او کمک کند. و او را به نزد خانواده‌اش برساند. توماتین در راه متوجه منظور پیرزن غول شد لذا چاره‌ای اندیشید. توماتین به غول گفت چند سال پیش ماری زهرآگین مرا نیش زده و حکیم به من گفته است که تا سه سال دیگر نباید دست به چیزهای خوردنی بخورد وگرنه سمی می‌شود. پیرزن غول که حساسی ترسیده بود او را به کنار روستایی برد حالا می‌خواست از دست توماتین نجات پیدا کند. توماتین طبق سفارش پیر غول به خانه پیرمرد هیزم فروش رفت. طبق نقشه توماتین، مرد هیزم‌شکن و چند نفر دیگر از روستاییان به غول پیر حمله بردند و او را در غاری کشتند. پس از سه روز توماتین با لباس‌های مبدل و زشت و کهنه از روستاییان خداحافظی کرد و دنبال برادرهایش رفت. به شهری رسید و پس از چند روزی گشت‌زدن در شهر به دیدار حاکم شهر رفت و داستانی سرهم کرد. حاکم کاری در قصر به او واگذار میکند.

نارین گلبارین که روزی روبروی پنجره نشسته بود و مشغول نقش و نگاردوزی بر روی پارچه بود پسر پادشاه حلب از کوچه آنان می‌گذشت چشمش به نارین افتاد و عاشق او شد. وقتی شازاده به خانه برگشت جریان را با پدرش در میان گذاشت و چند نفر را به خاستگاری دختر زیبا فرستادند. بهروز و گلخان (مادر و پدر خوانده نارین) با ازدواج نارین و پسر پادشاه حلب موافقت کردند و او را به همراه خاله و دختر خاله‌اش (خواهر گلخان و دخترش) به شهر حلب فرستادند. در راه نارین خیلی تشنه شد و درخواست آب کرد ولی خاله‌اش گفت که بیابان است و آب نیست. بعد از تشنگی زیاد نارین، خاله نارین در مقابل آب هردو چشم نارین درآورد و بعد دست و پای او را بست و درمیان راه در جنگلی رها کرد. لباس‌های نارین را به تن دخترش کرد و آن را به جای عروس قرار داد. وقتی چشم داماد به دختر افتاد دانست که این نارین نیست. نارین گلبارین دست و پا بسته و بدون چشم در جنگل می‌نالد و داد می‌زد. مرد هیزم‌شکنی که از آن محل می‌گذشت صدای ناله‌های نارین را شنید. و او را به خانه برد. وقتی مرد، بار هیزم خود را برای فروش به شهر حلب برد چشمش به مرد شیک‌پوشی افتاد که ثروتمند به چشم می‌آمد. وقتی از هیزم‌فروش درمورد زندگی‌اش پرسید، متوجه شد که بسیار نیازمند است، لذا به او گفت من پول زیادی دارم و این کیسه را بگیر که سهم فقر است. هیزم‌شکن هر چه لازم بود برای خانه خرید و بازگشت. دختر کوچک هیزم‌فروش که از دو خواهرش بیشتر نارین را دوست داشت در حمام کردن و دیگر کارها به نارین کمک می‌کرد، نارین به او گفت که آب حمامش را دور نریزد. خواهر کوچک هرگاه سر نارین را می‌شست (در روز چهارشنبه)، درحال آب آن به زر تبدیل می‌شد. نارین در یکی از روزها خیلی خندید و گل‌های زیادی باریدند. نارین به مرد هیزم‌فروش که اکنون مرد ثروتمندی شده بود و به شهر حلب نقل مکان کرده بود گفت سبیدی از این گل‌ها را بردار و در اطراف قصر پادشاه فریاد بزنید گل در مقابل چشم. مرد هیزم‌فروش همان کار را انجام داد و زنی از قصر بیرون آمد برای خرید گل‌ها و گفت با طلا می‌خرم ولی مرد گفت فقط در مقابل چشم می‌فروشم این گل‌ها بهشتی هستند و در هیچ جای دنیا گیر نمی‌آیند. مرد: من زر نمی‌خواهم، برای دخترم که دو تا چشم ندارد، چشم می‌خواهم. زن موافقت کرد و در مقابل دو چشم قرار شد مرد هفت روز سبید گل‌ها را برای او ببرد. هر هفت روز زن آن گل‌ها را به دور دخترش می‌ریخت تا داماد باور کند که نارین است. اما داماد به او گفت که این یک فریب است. مرد گل‌فروش چشم‌ها را گرفت و توسط حکیم و پزشکان سرجایشان قرار دادند. و بینایی نارین برگشت. گلبارین با حیل‌های و با لباس مبدل خود را به قصر پادشاه رساند. و از شاه‌بانو خواست کاری به او بدهد. نارین را به چوپانی اردک‌ها و غزاهای قصر گماشتند. یک روز وقتی که نارین در وسط روز در برکه آب تنی می‌کرد، شاهزاده او را در آن حال دید. وقتی بیرون آمد شروع به خنده کرد و اطراف

او پر از گل شد. شاهزاده حدس زد که این همان نارین است. غروب از خدمتکاران درخواست کرد که او را به اطاق شاهزاده ببرند. شاهزاده از نارین پرسید، راست بگو تو چه کسی هستی در زیر این لباس‌های مبدل؟ نارین گلبارین گفت تا تو داستان خود را نگویند من چیزی نمی‌گویم. شاهزاده داستان خود را برای نارین گفت: می‌دانم آن دختری که می‌خواستم این نبود نارین گفت: من نارین گلبارین هستم. همان شب نارین و شاهزاده با حضور بهروز و گلخان به عقد و عروسی هم درآمدند. مادر و دختر را هم به رسوایی از قصر بیرون انداختند. توماتین هم که مدتی در قصر حاکم شهر در لباس مبدل و بسیار زشت زندگی کرده بود. یک روز پسر حاکم درحالی که توماتین در چشمه یکی از باغچه‌های قصر لباس خود را درآورده بود مشغول آب تنی بود می‌بیند و عاشق او می‌شود. شب از پدر درخواست می‌کند که توماتین را به ازدواج او دربیآورد. حاکم به پسرش می‌گوید این دختر هم زشت است هم خدمتکار قصر نمی‌شود. پسر می‌گوید من امروز او را در صورت حقیقی او دیده‌ام بسیار دختر زیبایی هست. از نقش انگشترش معلوم است که دختر خانواده‌داری است. حاکم او را به مجلس فرا می‌خواند و از او می‌خواهد با پسرش ازدواج کند. توماتین می‌گوید من دختر زشتی هستم من مناسب پسر ت نیستم. حاکم به او می‌گوید آن ماسک و لباس‌های کهنه و ژولیده‌ات در بیاور تا زیبایی حقیقت آشکار شود. توماتین که می‌بیند دیگر چاره‌ای ندارد جز اینکه ماسکش را بردارد. حاکم می‌پرسد چه کسی هستی؟ دختر "منده"، پدر و مادرم هردو گم شده‌اند، و دو برادر داشتم تاورخان و باله‌خان که آنها هم گم شده‌اند. همچنین از تنها خواهرم هم خبر ندارم. حاکم قول داد که به او در یافتن افراد خانواده‌اش او کمک کند. توماتین و پسر حاکم با هم ازدواج کردند. بعد از مدتی هردو برادرش را پیدا کرد و پس از آن خبر خواهرش را هم شنید.

4- خویشکاری‌های قصه «توماتین و نارین گلبارین» و تجزیه و تحلیل آنها

در این بخش از مقاله ساختار قصه «توماتین و نارین گلبارین» بررسی می‌شود. شیوه بررسی ساختاری قصه در این مقاله، بر اساس روش ولادیمیر پراپ صورت گرفته است: پراپ در بیان هر خویشکاری ابتدا چکیده‌ای از ماحصل آن را ذکر می‌کند؛ سپس تعریفی اختصاری در حد یک کلمه یا یک ترکیب از آن می‌دهد و بعد نشانه‌ای قرار دادی برای آن در نظر می‌گیرد. در این مقاله نیز به همین منوال عمل شده و بعد از بر شمردن خویشکاری، تعریفی اختصاری در حد یک یا دو کلمه در نظر گرفته شده است سپس علامتی اختصاری از حروف الفبای انگلیسی به آن اختصاص داده شده است و نیز از بعضی حروف لاتین و علائم و نشانه‌هایی که مناسبی با خویشکاری داشتند، استفاده شده است:

جدول شماره (1): خویشکاری‌های قصه توماتین و نارین گلبارین

شماره	نشانه	تعریف خویشکاری	نمونه خویشکاری در قصه توماتین و نارین گلبارین
1.	(a)	وضعیت آغازین	پس از ناپدید شدن "منده" و "آوران"، هر دو پسرشان (تاورخان و باله‌خان) نیز آواره کوه و دشت شدند و هیچ کسی خبری از آنان نداشت، و دو تا خواهرهاشان (توماتین و نارین گلبارین) زیر دست نامادری بی‌رحم و ستمکار باقی ماندند.
2.	(A ⁶)	شرارت / کوتاهی	نامادری، توماتین و نارین گلبارین اذیت و آزار می‌دهد
3.	(Y ²)	امر یا پیشنهاد	روزی نارین گلبارین که خیلی باهوش و دانا بود به توماتین که مثل مردها قوی و توانمند بود گفت ما باید از دست نامادری فرار کنیم و به دنبال برادرهایمان بگردیم.

4.	(δ)	نقض نهی	توماتین به نارین گفت ولی ما دختر هستیم نه چیزی می دانیم و نه جایی بلدیم.
5.	(ζ)	خبر دهی	نارین گفت مادرمان قبلا به ما گفته بود که هرگاه وقتش رسید همه چیز را یاد می گیرید.
6.	(B ³)	میانجگیری / گسیل داشتن	توماتین برای جست و جوی برادرانشان، با نارین گلبارین موافقت می کند.
7.	(C)	مقابله آغازین	نارین درویشی را می بیند و به او می گوید مقداری پول پدرتان زیر فلان سنگ پنهان کرده ام هرگاه به آن نیاز داشتید می توانید آن را بردارید.
8.	(↑)	عزیمت	روز بعد وقتی برای آوردن هیزم به بیرون رفتند، پول خود را برداشتند و در جست و جوی برادران، از خانه فرار کردند.
9.	(G ²)	انتقال مکانی	رفتند تا به خرابه ای رسیدند شب در همان خرابه خوابیدند.
10.	(A ¹)	شرارت	خرس بزرگی که به دنبال غذا می گشت آنها را دید و "توماتین" را برداشت و به نزد بچه هایش برد.
11.	(β)	غیبت	نارینا گلبارین چون صبح بیدار شد هر چه گشت خواهرش را ندید.
12.	(C ↑)	عزیمت	و پس از جستجوی زیاد و بی نتیجه، مجبور شد تنهایی راهش را در پیش بگیرد و به سفرش ادامه دهد، تا به شهری رسید.
13.	(T)	تغییر شکل	یک دست لباس مردانه خرید و خود را به صورت یک مرد جوان درآورد، و اسم خود را "آفل" گذاشت
14.	(a ⁵)	نیاز	نارینا گلبارین در شهر به دنبال جایی و سرپناهی می گشت.
15.	(D ²)	دیدار با بخشنده	در شهر چشم نارین به مردی خوش قیافه افتاد و به آن مرد گفت چون کسی را ندارم می خواهم کار کنم. مرد او را به خانه برد تا در کارهای خانه به خانمش کمک کند. مرد تاجر و همسرش (بهروز و گل خان) او را به فرزندی قبول کردند
16.	(E ¹)	واکنش قهرمان	بعد از گذشت روزها پدر و مادر جدیدش متوجه شدند که «آفل» یک دختر و نام او نارینا گلبارین است.
17.	(D ²)	دیدار با بخشنده	بعد از مدتی، شبی سه زن از دیوار اطافش وارد شدند و گفتند ما خاله های شما هستیم (چون مادرشان از نسل پریان بود) و آمده ایم که استعدادها و توانایی های زیادی را به تو منتقل کنیم.

18. هر یک از آن پری‌ها فنون و توانایی‌های خاصی را به او بخشیدند. برای مثال هرگاه نارین گریه می‌کرد باران می‌بارید و چون می‌خندید گل‌ها می‌باریدند. و یا هرگاه در روز چهارشنبه خود را می‌شست، آبی که سر خود را با آن می‌شست به زر تبدیل می‌شد. (F¹) دریافت شیء جادویی
19. و اما توماتین که مدتی با خرس‌ها زندگی کرده بود، روزی پیرزن هیولایی از آنجا می‌گذشت، توماتین او را صدا زد و از او کمک خواست. (D⁴) دیدار با بخشنده
20. پیرزن هیولا وقتی او را دید، به طمع خوردن گوشت او، قبول کرد به او کمک کند و او را به نزد خانواده‌اش برساند. (A¹) شرارت
21. توماتین در راه متوجه منظور پیرزن هیولا شد لذا چاره‌ای اندیشید، و به پیرزن گفت چند سال پیش ماری زهرآگین مرا نیش زده و حکیم به من گفته تا سه سال دیگر نباید دستت به چیزهای خوردنی بخورد و گرنه سمی می‌شود. (K¹⁰) کار سازی مصیبت
22. پیرزن غول که حساسی ترسیده بود او را به کنار روستایی برد و حالا می‌خواست از دست توماتین نجات پیدا کند. (G⁴) انتقعات مکانی/راهنمایی
23. پیرزن غول به توماتین گفت من خیلی از سگ‌ها می‌ترسم و نمی‌توانم همراه شما بیایم ولی تو به خانه کنار روستا برو هیزم- فروشی در آن زندگی می‌کند که بچه ندارد. (Z) خبر دهی
24. توماتین طبق سفارش پیر غول به خانه پیرمرد هیزم‌فروش رفت و سه روز در خانه او مهمان بود. (E⁸) واکنش قهرمان
25. طبق نقشه توماتین، مرد هیزم‌شکن و چند نفر دیگر از روستاییان به پیر زن هیولا یورش بردند و او را در غاری کشتند. (U) مجازات
26. توماتین بار دیگر لباس‌های زشت و کهنه و مبدل به تن کرد. (T³) تغییر شکل
27. از روستاییان خداحافظی کرد و دنبال برادرهایش رفت. (C¹) عزیمت
28. به شهری رسید و پس از چند روزی گشت زدن در شهر به دیدار حاکم شهر رفت و داستانی سرهم کرد تا نظر او را جلب کند. (O) نا شناخته رسیدن
29. حاکم پس از پرس و جو، کاری در قصر به او واگذار کرد. (D²) دیدار با بخشنده

30. و اما نارین گلبارین در خانه تاجر ، روزی روبروی پنجره نشسته بود ، پسر حاکم حلب از کوچه آنان می‌گذشت چشمش به نارین افتاد و عاشق او شد. مقابله آغازین (C)
31. وقتی شازاده به خانه برگشت جریان را با پدرش درمیان گذاشت و چند نفر را به خاستگاری دختر فرستادند. امر یا پیشنهاد (γ2)
32. بهروز و گلخان با ازدواج نارین و پسر پادشاه حلب موافقت کردند و او را به همراه خاله و دختر خاله‌اش (خواهر گلخان و دخترش) به شهر حلب فرستادند. انتقال مکانی (G2)
33. در راه نارین خیلی تشنه شد و درخواست آب کرد ولی خاله‌اش (از نارین خیلی متنفر بود) گفت که بیابان است و آب نیست. شرارت (A1)
34. خاله به نارین گفت : تنها راه به دست آوردن آب این است که در مقابل آب هر دو چشمانت را به من بدهی . نارین از تشنگی زیاد تسلیم شد . فریبکاری (η)
35. خاله نارین هر دو چشم نارین را درآورد و دست و پای او را بست و درمیان راه، در جنگلی رها کرد. شرارت (A⁶)
36. لباس‌های نارین را به تن دخترش کرد و آن را به جای عروس قرار داد. قهرمان دروغین (T⁴)
37. وقتی که داماد، عروس را دید متوجه شد که این عروسش نیست. فریبکاری (η³)
38. نارین گلبارین دست و پا بسته و بدون چشم در جنگل می‌نالید و داد می‌زد. نیاز/کمبود (A)
39. مرد هیزم شکنی که از آن محل می‌گذشت صدای ناله‌های نارین را شنید، پس از با خبر شدن از حال زار او، وی را به خانه برد. دیدار با بخشنده (D²)
40. مرد، بار هیزم را برای فروش به شهر حلب برد و چشمش به مرد شیک‌پوشی افتاد، مرد ثروتمند که دلش به حال هیزم‌فروش سوخته بود یک کیسه پول به او داد. پیرمرد هر چه لازم بود برای خانه و بچه‌هایش خرید و برگشت. کار سازی مصیبت یا کمبود (K⁶)
41. دختر کوچک هیزم‌فروش که از دو خواهرش بیشتر نارین را دوست داشت در حمام کردن و دیگر کارها به نارین کمک می‌کرد، نارین به او گفت که آب حمامش را نریزد. نهی/ دستور (γ²)

42. هرگاه خواهر کوچک سر نارین را می‌شست، درحال آب آن به زر تبدیل می‌شد. لذا وضعیت هیزمفروش روز به روز بهتر می‌شد. تدارک یا دریافت شیئی جادو (F¹)
43. نارین در یکی از روزها خیلی خندید و گل‌های زیادی باریدند. تدارک یا دریافت شیئی جادو (F⁶)
44. نارین به مرد هیزمفروش که اکنون مرد ثروتمندی شده بود و به شهر حلب نقل مکان کرده بود گفت: سیدی از این گل‌ها را بردار و در اطراف قصر پادشاه فریاد بزنیید گل در مقابل چشم. دستور/ پیشنهاد (γ²)
45. مرد هیزمفروش همان کار را انجام داد و زنی (خاله نارین گلبارین) از قصر بیرون آمد برای خرید گل‌ها. گفت گل‌هایت را با طلا می‌خرم. خبر گیری (ε³)
46. ولی مرد گفت این گل‌ها را فقط در مقابل چشم می‌فروشم چون این گل‌ها بهشتی هستند من زر نمی‌خواهم، برای دخترم که دو تا چشم ندارد، چشم می‌خواهم. نقض امر یا پیشنهاد (δ)
47. خاله نارین گلبارین موافقت کرد و در مقابل دو چشم، قرار شد مرد هفت روز سبد گل‌ها را برای او ببرد. تدارک یا دریافت شیئی جادویی (F¹)
48. هر هفت روز زن آن گل‌ها را به دور دخترش می‌ریخت تا داماد باور کند که نارین است، اما داماد به او گفت که این یک فریب است. فریبکاری (η³)
49. مرد گل‌فروش چشم‌ها را گرفت و توسط حکیمان و پزشکان به نارین گلبارین برگرداندند و بینایی وی برگشت! کار سازی مصیبت یا کمبود (K³)
50. گلبارین، بعد از برگشت بینایش، با حيله‌ای و با لباس مبدل خود را به قصر پادشاه رساند و از شاه‌بانو خواست که کاری به او بدهد. رسیدن به نا شناختگی (O)
51. نارین را به چوپانی اردک‌ها و غازهای قصر گماشتند. کار سازی مصیبت (K¹)
52. یک روز وقتی که نارین در وسط روز در برکه قصر آب‌تنی می‌کرد، وقتی بیرون آمد شروع به خنده کرد و اطراف او پر از گل شد. شاهزاده او را در آن حال دید، شاهزاده حدس زد که این همان نارین گلبارین باشد. شناخته شدن (Q)
53. غروب از خدمتکاران درخواست کرد که گلبارین را به اطاق شاهزاده ببرند. امر یا پیشنهاد (γ²)
54. شاهزاده از نارین پرسید، راست بگو تو چه کسی هستی در زیر این لباس‌های مبدل؟ خبر گیری (ε³)
55. نارین گلبارین به شاهزاده گفت تا تو داستان خود را نگویند من چیزی نمی‌گویم. نقض امر یا پیشنهاد (δ)

شاهزاده داستان خود را برای نارین گفت و اضافه کرد: می‌دانم آن دختری که من می‌خواستم این نبود.	خبر دهی	(ζ^3)	.56
نارین گفت پس من همان نارین گلبارین هستم که روز اول عاشقم شدم.	باز شناختن قهرمان	(Q)	.57
همان شب نارین گلبارین و شاهزاده با حضور بهروز و گلخان به عقد و عروسی هم درآمدند.	عروسی	(W)	.58
نقشه مادر و دختر نقش بر آب شد و به رسوایی آنان انجامید.	رسوایی	Ex	.59
مادر و دختر را با خواری و سرافکندگی از قصر بیرون انداختند.	مجازات	(U)	.60
اما توماتین که مدتی بود در قصر حاکم شهر دیگری در لباس میدل و زشت و پاره زندگی می‌کرد. یک روز درحالی که در چشمه یکی از باغچه‌های قصر لباس خود را درآورده بود و مشغول آبتنی بود پسر حاکم او را می‌بیند و عاشق وی می‌شود.	دیدار با بخشنده	(D ²)	.61
شب از پدر درخواست می‌کند که توماتین را به ازدواج او در بیاورد.	امر یا پیشنهاد	(γ^2)	.62
حاکم به پسرش می‌گوید این دختر هم زشت است هم خدمتکار قصر است و نمی‌شود با او ازدواج کنید.	نقض امر یا پیشنهاد	(δ)	.63
پسر می‌گوید من امروز او را در صورت حقیقی او دیده‌ام بسیار دختر زیبایی است. همچنین از نقش انگشترش معلوم که دختر خانوادهداری است.	خبر دهی	(ζ^3)	.64
حاکم موافقت می‌کند و توماتین را به مجلس فرا می‌خواند و از او می‌خواهد با پسرش ازدواج کند.	امر یا پیشنهاد	(γ^2)	.65
توماتین می‌گوید من دختر زشتی هستم من مناسب پسر نیستم.	نقض امر یا پیشنهاد	(δ)	.66
حاکم به او می‌گوید آن ماسک و لباس‌های کهنه و ژولیده‌ات در بیاور تا زیبایی حقیقت آشکار شود.	امر یا پیشنهاد	(γ^2)	.67
توماتین که می‌بیند دیگر چاره‌ای ندارد جز اینکه ماسکش را بردارد، تسلیم می‌شود.	خبر دهی	(ζ^3)	.68
حاکم می‌پرسد چه کسی هستی؟	خبرگیری	(ε^3)	.69
من دختر "منده" هستم، پدر و مادرم هردو گم شده‌اند، و دو برادر داشتم تاورخان و باله‌خان که آنان هم گم شده‌اند. همچنین از تنها خواهرم هم هیچ خبری ندارم.	خبر دهی	(ζ^3)	.70
حاکم قول داد که در یافتن افراد خانوادهاش به او کمک کند.	میانگیری/گسیل داشتن	(B ⁴)	.71
توماتین و پسر حاکم با هم ازدواج کردند. بعد از مدتی با کمک مأموران حاکم هر دو برادرش را پیدا می‌کند و پس از آن درباره خواهرش هم خبرهای خوبی می‌شنود.	عروسی	(W)	.72

1-3) وضعیت آغازین داستان :

شرح و توضیح در ارتباط با معرفی قهرمانان و ترکیب خانواده آنان

2-3) شخصیت‌های داستان :

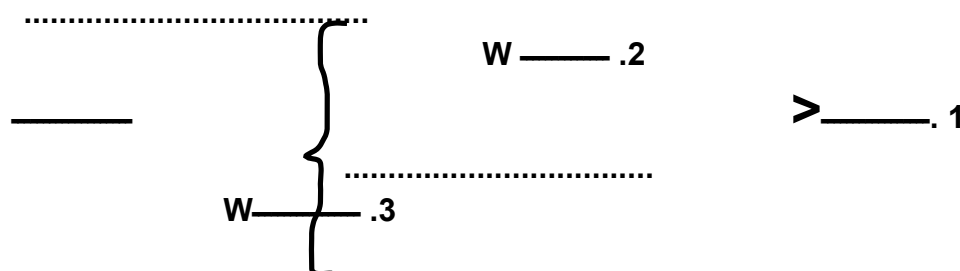
حرکت (1) : قهرمان : توماتین و نارین گلبارین ؛ شریر: نامادری

حرکت (2) : قهرمان : نارین گلبارین ؛ بخشنده : مرد تاجر، مرد هیزم شکن ؛ شریر : خاله نارین ؛ یاریگر : حاکم حلب؛ شاهزاده: پسر حاکم حلب

حرکت (3) : قهرمان : توماتین ؛ شریر : پیر زن هیولا ، خرس ؛ یاریگر : مردان روستایی ؛ بخشنده : حاکم ؛ شاهزاده: پسر حاکم

3-3) ترکیب حرکت :

داستان «توماتین و نارین گلبارین» همانگونه که قبلاً اشاره شد، دارای سه حرکت است و ترکیب حرکتی آن به صورت زیر است:



4-3) بررسی و تجزیه و تحلیل داستان « توماتین و نارین گلبارین » :

همانگونه که پیشتر اشاره شد ولادیمیر پراپ، حرکت‌ها را بر اساس نوع ترکیب به شش دسته تقسیم کرده است (پراپ، 1397 : 203 – 200) با تجزیه و تحلیل داستان «توماتین و نارین گلبارین» بر مبنای نظریه ساختارگرایانه پراپ ، سه حرکت اصلی در آن به چشم می‌خورد و مشخص شد که حرکت‌های موجود در این داستان از نظر موضوع و محتوا از نوع حرکت (1) پراپ است : « بسط از طریق خویشکاری H- I (جنگ و کشمکش) ». پراپ برای این خویشکاری از نمودار زیر استفاده کرده است:

ABC↑ DEFGLMJNK↓ Pr RS EX TUW

حرکت اول داستان :

« توماتین و نارین گلبارین ، هم برای فرار از دست آزار و شکنجه‌های نامادریشان و هم در جست‌وجوی برادرهایشان از خانه فرار می‌کنند. در وسط راه توماتین توسط خرسی ربوده می‌شود، لذا هر دو خواهر از هم جدا می‌شوند».

این حرکت بر مبنای دسته‌بندی پراپ، جزو حرکت‌های نوع اول به حساب می‌آید (درگیری و کشمکش، یعنی شرارتی در آن ظاهر می‌شود و دو جستجوگر را از هم جدا می‌کند.

حرکت دوم داستان:

«نارین گلبارین به راه خود ادامه می‌دهد. در منزل تاجری ساکن می‌شود، سپس پسر حاکم شهر حلب او را می‌بیند و به ازدواج او در می‌آید البته بعد از نجات یافتن از شرارت و دام خواهر همسر تاجر».

این حرکت نیز مانند حرکت اول از دسته اول حرکت‌های پراپ به حساب می‌آید؛ یعنی در نیمه راه شرارتی پدیدار می‌شود و پس از چاره‌سازی آن و ازدواج او به پایان می‌رسد.
حرکت سوم داستان:

« در این حرکت توماتین، پس از نجات یافتن از دست خرس توسط پیرزن هیولا، توماتین پی به نیت بد پیر زن می‌برد و با یک نقشه و ترفند از راه مردان روستایی از دست شرارت و خبثت پیرزن هیولا آزاد می‌شود، آنگاه وارد شهری می‌شود و پس از راه یافتن به دربار حاکم آن شهر با پسر حاکم ازدواج می‌کند»
این حرکت نیز از نوع حرکت اول پراپ محسوب می‌شود؛ یعنی شرارت در داستان وجود دارد که مایه درگیری و کشمکش قهرمان و شرور می‌شود؛ که پس از خلاص شدن از دست آن، با ازدواج او خاتمه پیدا می‌کند.
اکنون به بررسی نمودار حرکت‌هایی که در قصه «توماتین و نارین گلبارین» دیده شده می‌پردازیم:
- نمودار حرکت اول قصه:

1). $A^6 B^3 C \uparrow G^2 A^1$

آن چه در این نمودار به چشم می‌خورد این است که اگر چه نمودار تمام و کاملی از تمام خویشکاری‌ها، به شکلی که پراپ ارائه کرده است، نیست، اما کاملاً منطبق با آن است و هیچ گونه جابجایی در عناصر آن دیده نمی‌شود.

- نمودار حرکت دوم قصه:

2). $C \uparrow T D^2 E^1 D^2 F^1 C G^2 A^1 A^6 T^4 D^2 K^6 F^1 F^6 F^1 K^3 O K^1 Q W E_x U$

با بررسی نمودار حرکت دوم، مشخص می‌شود که حرکت اول نا تمام مانده و حرکت دوم شروع شده است و به انتها و پایان خود رسیده است. در این نمودار نیز، همان عناصر خویشکاری پراپ دیده می‌شود، اما آن توالی عناصر رعایت نشده است و بعضی از عناصر خویشکاری‌ها جابجا شده است. البته این جابجایی اصل توالی خویشکاری‌ها را نقض نمی‌کند و توالی جدیدی به وجود نمی‌آورد. خود ولادیمیر پراپ اذعان دارد که بعضی از خویشکاری‌ها می‌توانند جای خود را تغییر دهند « در این توالی آزادی به طور خیلی محدود وجود دارد، که می‌توان آن را کاملاً قاعده‌بندی کرد (پراپ، 1397: 83).

- نمودار حرکت سوم قصه:

3). $D^4 A^1 K^{10} G^4 E^8 U T^2 C \uparrow O D^2 B^4 W E^2$

همانطور که مشاهده می‌شود، به دلیل این که این حرکت در راستای حرکت قبلی صورت گرفته است، لذا برخی از خویشکاری‌ها در این حرکت نیامده‌اند. در حرکت سوم هم می‌بینیم که خویشکاری‌های مورد نظر پراپ با کمی جابجایی آمده است و شرح و توضیحاتی که در مورد حرکت دوم داده شد در اینجا نیز مصداق پیدا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

نتایج نهایی این تحقیق و پژوهش نشان می‌دهد که ساختار کلی افسانه «توماتین و نارین گلبارین» به اندازه بسیار زیاد با الگوی ولادیمیر پراپ تطابق و همسانی و همخوانی دارد، و با بررسی این قصه بر اساس الگوی ولادیمیر پراپ در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، نشان داد که در این داستان «وضعیت آغازین» طبق الگوی پراپ صورت گرفته است، یعنی اعضای یک خانواده نام برده می‌شوند و با معرفی و بیان موقعیت قهرمانان قصه (جست و جوگران) آغاز شده است.

داستان مذکور از لحاظ حرکت‌ها، جزو داستان‌های چند حرکتی است (دارای سه حرکت است). همچنین در این داستان دو قهرمان جستجوگر وجود دارد و قهرمانان در وسط حرکت اول از هم جدا می‌شوند.

این داستان محدود به همان (31) خویشکاری پیشنهادی پراپ است. البته این داستان دارای تمام 31 خویشکاری-های مورد نظر پراپ نیست و این امری طبیعی است زیرا که خود پراپ در بررسی قصه‌های پریان روسی گفته است که هیچ قصه‌ای کل 31 خویشکاری را ندارد.

خویشکاری‌های قصه، کنشگران هفت حوزه عملیات به انجام می‌رسانند که عبارتند از: قهرمان، شریر، شاهزاده خاتم (یا شخص مورد جست و جو)، بخشنده، یاریگر، گسیل دارنده، قهرمان دروغین؛ و این هفت مورد، در داستان مورد پژوهش دیده می‌شود.

با امعان نظر در پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که هر سه حرکت موجود در داستان «توماتین و نارین گلبارین»

بر پایه یکی از چهار نظریه بنیادی پراپ (نظریه اول: «بسط از طریق خویشکاری H-I (جنگ و کشمکش)

» صدق می‌کند؛ و الگوی وی با این داستان مطابقت دارد، و به این ترتیب به پاسخ سؤال اول دست می‌یابیم. اگر چه از نظر انواع خویشکاری‌ها، افسانه «توماتین و نارین گلبارین» تشابه زیادی با افسانه‌های مورد پژوهش ولادیمیر پراپ دارد، اما اندک تفاوتی که میان این قصه‌ها دیده می‌شود؛ جابجایی بعضی خویشکاری‌های مقدماتی است که گاهی در حرکت‌های داستان صورت گرفته است که البته به گفته خود پراپ این موارد در ساختار قصه نقشی ندارند؛ به این ترتیب به جواب سؤال دوم دست پیدا کرده‌ایم.

در پاسخ به سؤال سوم هم باید گفت که نمودگار نهایی قصه به این صورت شکل گرفته است که طبق این نمودگار، نیاز یا شرارتی قهرمان (جست‌وجوگر) را وارد صحنه می‌کند، سپس دیدار او با بخشنده به دریافت عامل یا یاریگری می‌انجامد که با یاری او بر شریر پیروز می‌شود و یا کمبود و نیاز را بر طرف می‌کند. قهرمان قصه پس از رهایی، خود را به شاهزاده می‌شناساند و قهرمان دروغین را رسوا می‌کند سپس شریر را به سزای اعمالش می‌رساند و در آخر با ازدواج به پایان می‌رسد؛ که خیلی نزدیک به نمودگار مورد نظر پراپ است:

«عزیمت قهرمان (جست‌وجوگر) از خانه به قصد جست‌وجو ← دیدار با بخشنده ← کشمکش با شریر ← پیروزی بر شریر و مجازات وی ← ازدواج قهرمان (جست‌وجو) ← پایان»

آنچه مسلم است این افسانه با روش و الگوی پراپ همخوانی، مطابقت و همسویی دارد و تعداد زیادی از اعمال و کنش‌های مورد مطالعه قرار گرفته در داستان مذکور با الگوی ریخت شناسانه پراپ یکسان است. با مطالعه‌ای که بر روی دیگر افسانه‌هایی که در این مجموعه آمده‌اند، انجام گرفته می‌توان دیگر داستان‌های این مجموعه نیز بر اساس الگوی ریخت‌شناختی پراپ تجزیه و تحلیل نمود.

فهرست منابع

کتاب:

- احمدی، بابک (1380)، «ساختار و تأویل متن»، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز
- پراپ، ولادیمیر، (1397)، ریخت شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، چاپ پنجم، تهران: توس
- پور نامداریان، تقی (1386)، «رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی»، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- پیازده، ژان (1385)، «ساختارگرایی»، ترجمه رضا علی اکبر پور، چاپ اول، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی
- جعفری، اسد الله (1389)، «نامه باستان در بوته داستان»، چاپ نخست، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- خدیش، پگاه (1387)، «ریخت شناسی افسانه‌های جادویی»، چاپ نخست، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- دلاشو، م. لوفلر (1386)، «زبان رمزی افسانه‌ها»، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: توس
- سسیل، اردیشانه و سسیله (1386)، «افسانه‌های کردان»، ترجمه امیر حسین اکبری شالچی، چاپ اول، تهران: نشر ثالث

- گراوند، علی (1388)، بوطیقای قصه در غزلیات شمس، چاپ اول، تهران: انتشارات معین
- واحد دوست، مهوش (1387)، «نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی»، چاپ دوم، تهران: سروش
- هارلند، ریچارد (1401)، «درآمدی تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت»، مترجم علی معصومی، چاپ اول، تهران: نشر چشمه
- هزرگان، (2002 م)، «نه‌فسانه نارینا گولبارین»، چاپ اول، د هوک: انتشارات سپیریز
- یونگ، کارل گوستاو (1387)، «انسان و سمبل‌هایش»، مترجم محمود سلطانیه، چاپ ششم، تهران: جامی
- مقالات: (در شیوه جدول‌بندی‌ها و بعضی عنوان‌بندی‌ها از مقالات زیر استفاده شده است)
- ابراهیمی، سید مظهر و سید احمد پارسا (1395 ش)، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان در زبان کردی، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی. س 9. ش 35، صص 52-7
- حسن زاده، عبد الله و رضا قنبری عبد الملکی (1390)، «تحلیل ریخت‌شناسی روایت اسطوره‌ای «کتیبه» بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ»، فصلنامه پژوهشی‌های زبان و ادبیات تطبیقی دانشگاه سمنان، د 3، ش 3 (پیاپی 11) 1391، صص 81-100
- روحانی، مسعود و محمد عنایتی قادیکلایی (1388)، «بررسی ریخت‌شناسانه داستان «بیژن و منیژه» شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مازندران، س 17، شماره 66، صص 119-143
- ناصری، فرشته و دیگران (1391)، «تحلیل و مقایسه ساختار روایی قصه گنبد‌های سیاه و صندلی هفت گنبد نظامی بر اساس الگوهای ریخت‌شناسی قصه‌های پریان ولادیمیر پراپ» پژوهشنامه فرهنگ و ادب دانشگاه رودهن، شماره سیزدهم، سال هشتم، صص 96-128
- نصر آزادانی، ناهید محسن محمدی فشارکی (1395)، «تحلیل ساختاری داستان‌های غنایی ترجمه فرج بعد از شدت براساس دیدگاه‌های پراپ» فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان، دوره جدید، شماره 1، (پیاپی 29) بهار 1395، صص 71-92